



اسماعیلی، محمدمهدی، بررسی گویش گزِ
بُرخوار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی، تهران، ۱۳۹۵، ۱۸۴ صفحه.

کتاب با جدول نشانه‌های واج‌ها و آواها آغاز می‌شود و به مقدمه می‌پردازد. در مقدمه موقعیت جغرافیایی گزِ بُرخوار بررسی شده است. براساس گفته نویسنده، شهر گز در هجده کیلومتری شمال شهر اصفهان است که از نظر تاریخی جزئی از منطقه بُرخوار است و به همین روی به گزِ بُرخوار معروف است؛ اگرچه تقسیمات جدید کشوری آن را در مجموعه شاهین شهر و میمه قرار دهد. نویسنده پس از اندک توضیحاتی درباره موقعیت جغرافیایی و طبیعی و اجتماعی شهر گز به پیشینه تاریخی آن پرداخته و نخستین اشاره به شهر گز را در کتاب معجم البلدان یاقوت حموی در قرن هفتم دانسته است. نویسنده پس از یاد کردن شماری از بزرگان و مشاهیر شهر گز در بخش چهارم از پیشینه مطالعاتی گویش گزی گفته و یادآور شده که این گویش به سبب داشتن ادبیات مکتوب با وجود دیوان شعر درویش عباس گزی، گویشی قابل توجه است. در پایان این بخش

نویسنده درباره روش پژوهش گفته و چگونگی گردآوری داده‌های این پژوهش که در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در پژوهش میدانی گردآوری شده اشاره کرده، و ضمن نام بردن از گویشوران این پژوهش از آنها سپاسگزاری کرده است.

پس از این مقدمات فصل‌های پژوهشی کتاب آغاز می‌شود. کتاب در چهار فصل در توصیف گویش و پیوست‌های پایانی شامل جمله و متن به این گویش، جدول‌هایی در صرف فعل و نیز واژه‌نامه‌ای گویشی تنظیم شده است.

فصل اول بررسی نظام واجی این گویش و توصیف آن است. در این بخش گوناگونی مثال‌ها برای توصیف دقیق‌تر آواها و واج‌های این گویش و نیز بررسی فرایندهای آوایی چشمگیر است. نکته ویژه توصیف نظام واجی گویش گزِ بُرخوار در این کتاب، سنجش نظام آوایی گویش گزِ بُرخوار کنونی با اثر مکتوب یک قرن پیش گز، یعنی دیوان شعر درویش عباس گزی است.

فصل دوم به واج‌شناسی در زمانی پرداخته است و در آن پس از مقدمه‌ای تناظرات و مطابقت‌های آوایی این گویش با زبان‌های

شاخه‌های شمال غربی و جنوب غربی بررسی شده است و دلیل آن نیز هم‌پوشانی این گویش با دو منطقه گفته شده است. با وجود اندکی این گفتار، فرایندهای آوایی تاریخی به خوبی در این بخش دریافت می‌شود.

در فصل سوم صرف این گویش بررسی شده است. همه مقوله‌های مربوط به ساخت‌واژه این گویش و مشخصه‌های تصریفی آن با مثال‌های بی‌شمار توصیف شده است. گوناگونی مثال‌ها سبب دریافت دقیق‌تر موضوع می‌شود و نیز داده‌های بیشتر برای پژوهش‌های دیگر در اختیار خواننده می‌گذارد. از سویی صرف فعل‌ها در زمان‌ها و وجه‌های گوناگون مقوله صرف و ساخت فعل را به روشنی بیان می‌کند.

موضوع فصل چهارم نحو است. در این فصل نیز پس از مقدمه‌ای در نحو این گویش، نقش‌های گوناگون عناصر جمله و جایگاه آنها در جمله به خوبی بررسی شده است. گوناگونی مثال‌های این بخش نیز به خواننده در دریافت سریع‌تر و دقیق‌تر موضوع کمک می‌کند.

پس از این بخش‌ها یک متن و شماری جمله با ساخت گویش منطقه مورد نظر، به گویش گزی آوانویسی و به فارسی برگردانده شده است که تأییدکننده توصیفات نویسنده به‌ویژه در بخش نحو است. گزینش این جمله‌های گویشی افزون‌بر آنکه مواد لازم را برای توصیف ساخت‌واژه و نحو آن فراهم آورده، جمله‌هایی با ساخت فارسی که به گویش مورد مطالعه فقط ترجمه شود و به‌نوعی

گرده‌برداری به‌شمار می‌رود نیست. بلکه جملاتی با ساختار بومی گویش مورد مطالعه است که در برگردان فارسی آن نیز فارسی‌گویی گویشور مشهود است و نحو را دقیق‌تر می‌توان با این دست جملات سنجید. پس از این جمله‌ها فهرستی برای افعال ساده و پیشوندی در این گویش داده شده که در جدول‌هایی به این ترتیب آمده است: فعل به فارسی، ماضی ساده، مضارع اخباری و ماده مضارع و ماضی آن.

در پایان نیز واژه‌نامه دوسویه تنظیم شده است یعنی یکی واژه‌نامه گزی به فارسی و دیگری واژه‌نامه‌های این گونه گرچه زحمت نویسنده را بسیار می‌کند اما کتاب را قاعده‌مند و مفید می‌کند و مهم‌تر آنکه زحمت کاربر را کم می‌کند و کاربرد فرهنگ نه تنها می‌تواند مدخل مورد نظرش را به گویش مورد نظر پیدا کند بلکه به طرفه‌العینی به آن دست می‌یابد. بخش پایانی نیز کتابنامه است. عفت امانی

ایزدی‌فر، راحله، نظام انطباق در زبان تاتی، فرهنگ ایلیا، رشت، ۱۳۹۶، ۱۹۲ صفحه.

زبان تاتی از زبان‌های ایرانی نو شاخه شمال غربی است که در ایران گویش‌ها و گونه‌های بسیاری دارد. این زبان از جنوب رودخانه ارس تا مناطق اطراف ساوه گسترش دارد. اقوام تات از اقوام ایرانی‌تبارند که به‌صورت پراکنده در مناطقی در شمال غربی ایران زندگی می‌کنند.

است. بومی بودن و گوناگونی و بسیاری مثال‌ها تفهیم موضوع را برای خواننده آسان می‌کند و افزون بر آن داده‌های مفید و بیشتری از این زبان در اختیار خواننده قرار می‌گیرد.

نویسنده در این اثر گونه‌های کرینی، اشتیاردی، هزاررودی، تاکستانی و جوبنی را بررسی کرده است. در گونه‌های کرینی، اشتیاردی، هزاررودی و تاکستانی، نظام انطباق، ویژگی‌های دستوری، نظام حالت‌نمایی در زمان حال، نظام حالت‌نمایی در زمان گذشته، ضمائر پی‌بستی، ساخت‌های دومفعولی و شیوه‌های تضعیف نظام انطباق را بررسی کرده و در گونه جوبنی نظام انطباق، ویژگی‌های دستوری، نظام حالت‌نمایی، نظام مفعول‌نمایی افتراقی، مطابقه، ضمائر پی‌بستی و ساخت‌های دومفعولی را بررسی کرده است.

در بخش سوم با عنوان «نتیجه‌گیری» براساس ویژگی‌های انطباق در پنج گونه مذکور ویژگی‌های نظام انطباق در تاتی و تعریف آن را داده و در ادامه نیز خلاصه نتایج به‌دست‌آمده را کوتاه و مفید یادآور شده است.

عفت امانی

برهانی‌نیا، کوروش، فرهنگ تاتی رودبار، رشت، ۱۳۹۶، ۳۶۸ صفحه.

شهرستان رودبار جنوبی‌ترین، وسیع‌ترین و متنوع‌ترین شهرستان استان گیلان در کشور ایران است. شهر رودبار، مرکز این شهرستان، به‌دلیل

کتاب با جدول نشانه‌های آوانگاری و اختصاری آغاز می‌شود و سپس پیشگفتار. نویسنده در پیشگفتار کوتاه خود یادآور شده که این اثر رساله دکتری ایشان است. در ادامه پیشگفتار موضوع فصل‌ها و بخش‌های کتاب را گفته و از گویشوران تاتی‌زبان که در فراهم آوردن داده‌های گویشی یاریگر ایشان بوده‌اند، یاد و سپاسگزاری کرده است.

بخش اول درباره پیشینه تحقیق نظام انطباق در زبان تاتی است. در این بخش نویسنده ضمن ذکر حدود جغرافیایی زبان تاتی در ایران و رده‌شناسی آن و تعریف نظام انطباق و برشمردن ویژگی‌های آن، انطباق در گونه‌های تاتی را براساس پژوهش‌های پیشین توصیف کرده و یادآور شده است که داده‌های پژوهش را در پژوهش میدانی گرد آورده است.

در بخش دوم با عنوان «نظام انطباق در زبان تاتی» نویسنده به موضوع اصلی پژوهش رسیده است. در آغاز این بخش، نویسنده نظام انطباق را در گونه‌های تاتی بررسی کرده است. ضمن بررسی این گونه‌ها از حدود جغرافیایی آن گونه، جمعیت گویشوران آن گونه و پژوهش‌های پیشین مربوط به آن گونه نیز گفته است و با نقشه‌هایی موقعیت مکانی آن گونه را نیز نشان داده است. پس از این پیش‌درآمدهای مفید و به‌موقع، نویسنده به توصیف ویژگی‌های دستوری آن گونه پرداخته و با مثال‌های گوناگون که همگی به‌درستی آوانویسی شده است عامل‌های گوناگون نظام انطباق را بررسی کرده

ویژگی‌های کهن زبان‌های ایرانی را در خود حفظ کرده است.

پرویز پژوم شریعتی (۱۳۱۶-۱۳۹۳ش) که در اشعار فارسی و سمنانی‌اش «پژوم» تخلص می‌کرد، در زمینه زبان سمنانی تحقیقات و تألیفات متعددی انجام داده است که از آن جمله می‌توان به تاریخ و نام سمنان (۱۳۶۶)، آواشناسی و آوانگاری گویش سمنانی (۱۳۸۹)، تاریخچه دوهزارساله گویش باستانی سمنانی، با همکاری محمد حسن جواهری (۱۳۹۰)، آیین نگارش گویش سمنانی (۱۳۹۳)، همچنین مقالاتی که در باب ریشه‌شناسی واژه‌های سمنانی در همایش‌های متفاوت ارائه کرده است، اشاره کرد. کتاب حاضر شامل گفتارهایی است درباره دستور زبان سمنانی و ریشه‌یابی تعدادی از واژه‌های کهن آن که حاصل تدوین و تنظیم یادداشت‌هایی است که مؤلف در زمان حیات خود گردآوری کرده است. همان‌گونه که ناشر محترم در دیباچه این اثر اظهار داشته است، از آنجاکه یادداشت‌های مؤلف، صورت نهائی و اصلاح‌شده نبوده است و چنانچه در زمان حیات او انتشار می‌یافت، بی‌تردید اصلاحاتی روی آن انجام می‌شد، از این‌رو این مجموعه خالی از نقص و ایراد نیست.

کتاب از پیشگفتار و چهار گفتار تشکیل شده است. مؤلف در پیشگفتار، ضمن ارائه گزارشی از پیشینه تحقیقات خود و دیگران در باره زبان سمنانی، به اهمیت آوانویسی دقیق و علمی در

داشتن باغ‌های زیتون شهرت فراوانی دارد. وجه تسمیه این شهر به دلیل وجود رودهای فراوان در این ناحیه است. شهرستان رودبار میراث‌دار تمدن‌های ماد، کادوس و سکایی و مرکز دیلمستان قدیم و دروازه استان گیلان در ادوار پیشین بوده است.

مؤلف این اثر واژگان گویش تاتی زادگاه خود، لاکه را جمع‌آوری کرده است. این نام به دو ناحیه اطلاق می‌شود: روستای لاکه و محله‌ای از محله‌های شهر رودبار که مردمی از روستای لاکه در آن سکنی گزیده‌اند. گویش این منطقه با اندک تفاوت، همان گویش تاتی نقاط دیگر شهرستان رودبار است. فرهنگ تاتی رودبار مجموعه‌ای از لغات زبان تاتی رودبار است که امروزه در حال فراموشی است.

این کتاب شامل مقدمه و جدول نشانه‌های آوانگاری است و مؤلف در پنجاه و یک فصل به تفکیک موضوع، آوانوشت فارسی، لاتین و معنی واژگان را به دست داده است.

مریم رضایی

پژوم شریعتی، پرویز، *گفتارهایی در گویش باستانی سمنانی، انتشارات حبله‌رود، سمنان، ۱۳۹۷، ۴۰۸ صفحه.*

زبان سمنانی به شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی تعلق دارد و درعین حال زبان انتقالی میان زبان‌های ایران مرکزی و زبان گیلکی به‌شمار می‌آید. گفتنی است که سمنانی بسیاری از

مقوله‌هایی چون صرف افعال، حرف تعریف، اسم، صفت، ضمیر، حرف اضافه، قید، حروف ربط و ندا پرداخته و در ادامه ۹ متن سمنانی آوانگاری و به فارسی ترجمه شده است.

گفتار چهارم به ریشه‌یابی واژه‌های کهن سمنانی اختصاص یافته و در خاتمه فهرست منابع و مآخذ ارائه شده است. گفتنی است که اطلاعات بخش پایانی که ریشه‌شناسی است و ۹۰ صفحه از کتاب به آن اختصاص یافته، بسیار مغلوط و در اکثر موارد غیرعلمی است و در واقع نوعی ریشه‌شناسی عامیانه به‌شمار می‌رود. ازین رو شایسته بود که به این مقوله پرداخته نمی‌شد.

جمیله حسن زاده

دانشگر، احمد و جهانشیری، اسفندیار، فرهنگ‌نامه گویش اهالی تربت حیدریه، جهانتاب، تهران، ۱۳۹۶، ۵۳۷ صفحه.

شهرستان تربت حیدریه در خراسان رضوی و جنوب شهر مشهد است و زبان مردم منطقه گونه‌ای است از گویش فارسی خراسانی.

نویسندگان در پیشگفتار وضعیت عمومی شهر و شهرستان تربت حیدریه را توصیف کرده‌اند. در این بخش ابتدا محدوده جغرافیایی منطقه مورد مطالعه در این فرهنگ‌نامه را بیان کرده و پس از تعیین حدود جغرافیایی شهرستان تربت حیدریه تلاش کرده از پیشینه این شهر بگویند. در بیان وضعیت طبیعی و اجتماعی و اقتصادی، اندکی به کشاورزی و شیوه‌های آبیاری

ثبت گویش‌های محلی اشاره می‌کند. سپس روش‌های محققان پیشین یعنی کریستنسن، مورگن استیرنه و منوچهر ستوده را در آوانگاری سمنانی با یکدیگر سنجیده و با برگزیدن شیوه منوچهر ستوده، با اندکی تغییر، ویژگی‌های آن را بیان کرده است. در ادامه، مؤلف ضمن ارائه جدولی از صامت‌ها و مصوت‌ها، روش خود را در بررسی قواعد دستوری توضیح داده است. ملاحظات درباره صامت‌ها و مصوت‌های سمنانی و مقایسه زبان سمنانی با زبان معیار از دیگر عناوین مورد بحث در این بخش است.

گفتار نخست به مقوله فعل در زبان سمنانی اختصاص دارد. اهم عناوین این بخش عبارت است از: انواع مصدر و اجزای آن، نشانه مصدری، پیشوندهای افعال در زبان‌های باستانی، میانه و پارسی دری، پیشوندهای افعال سمنانی، پیشوندهای مرکب افعال، نقش پیشوند در تغییر معنی افعال، مصدر مرخم و کاربرد آن، ستاک و شناسه افعال، ویژگی کنایی افعال گذرا در گویش سمنانی، چگونگی صرف افعال و بنیان‌های صرف افعال گذرا و ناگذر. گفتار دوم به مقوله اسم و مباحث زیر پرداخته است: اسامی معرفه و نکره، اسامی مذکر و مؤنث حقیقی و مجازی و ویژگی‌های کلی آنها، تصریف اسامی در حالات مختلف و قواعد مربوط به آنها، تصریف اسامی خاص اشخاص (مذکر و مؤنث)، تصریف اسامی خاص مکان‌ها (مذکر و مؤنث). گفتار سوم در آمدی بر دستور زبان سمنانی است که به

زبان‌های ایرانی و شاخه‌های آن گفته و در بخش زبان و زبان ایرانی تعریف و توصیفی از مقوله زبان و گویش داده‌اند و اندکی نیز به پیشینه مطالعات ایرانی پیرامون گویش‌ها در سطح جهانی و ایران پرداخته‌اند. در ادامه در بخشی با نام جغرافیای گویش‌شناسی جهانی و ایرانی به پیشینه مطالعات گویشی اشاره کرده‌اند و نیز توصیفی از لهجه و گونه‌های زبانی و زبان معیار داده‌اند. ضمن برشمردن ویژگی‌های زبان معیار، نویسندگان از تکامل و ساده‌گرایی زبان فارسی و «رشد بیشتر زبان معیار ایرانی از سایر گویش‌ها و دلایل و زیان‌های آن» گفته‌اند. در بخشی نیز تغییرات تکاملی تاریخی زبان ایرانی و گویش‌ها و لهجه‌های آن را بررسی کرده‌اند.

در بخش سوم پیشگفتار با عنوان «گویش خراسانی و گویش اهالی تربت حیدریه» و «بیست‌وهفت نکته دستوری» نویسندگان خواسته‌اند دستور زبان این گویش را بررسی کنند که ضمن آن تعاریفی نیز از برخی اصطلاحات دستوری داده و فعل‌هایی را نیز صرف کرده‌اند.

در بخش پایانی پیشگفتار نویسندگان با عنوان «مطالبی پیرامون این فرهنگ‌نامه» از روش پژوهش، چگونگی تدوین، و منابع به‌کاررفته در فرهنگ‌نامه گفته‌اند.

در بخش واژه‌نامه، واژه‌ها به ترتیب الفبای گویش به فارسی مدخل شده و روبه‌روی آن، آوانگاری شده است. در این شیوه از مدخل‌نویسی برای داده‌های گویشی، یعنی

و محصولات کشاورزی و صنایع دستی تربت حیدریه پرداخته‌اند. در بخشی با عنوان تفریحات و اماکن تفریحی و بازی‌ها، نویسندگان برخی از بازی‌های بومی و بازی‌های رایج در این شهر را نام برده و اندکی توصیف کرده‌اند؛ با توجه به گویشی بودن این اصطلاحات بهتر می‌بود که این اصطلاحات آوانگاری می‌شدند. در بخش فرهنگ نیز نویسندگان از چند تن از فرهیختگان و شاعران محلی شهر نام و یاد کرده که منبع آن دیده‌ها و خاطرات نویسندگان است. در بخش توصیف آثار تاریخی، نویسندگان مزار قطب‌الدین حیدر را اندکی توصیف کرده و سپس به توصیف برخی از آیین‌های رایج در تربت حیدریه پرداخته‌اند: با عنوان‌های عزاداری، به حرکت درآوردن نخل در روز عاشورا، ماه رمضان و برخی مراسم آن. در ادامه به توصیف مزار بی‌بی حسنی، کنیز امام جعفر صادق، که زنی فاضل و عالم بوده اشاره شده است. در بخش کار و پیشه مردم از تأسیس کارخانه قند گفته‌اند، و در نهایت به بخش دوم پیشگفتار با عنوان «فرهنگ و فرهنگ‌نامه‌نویسی برای زبان و شاخه‌های آن» و «جستاری پیرامون زبان فارسی و شاخه‌های آن و فرهنگ‌نامه‌نویسی برای این زبان» پرداخته‌اند. در این بخش بحث‌ها و نقل‌قول‌هایی درباره زبان آورده و ضمن آن از کم‌کاری‌ها در جمع‌آوری ظرایف زبان و گویش‌ها و لهجه‌ها و فایده‌گردآوری گویش‌ها گفته‌اند. در بخش تاریخ و جغرافیا و پایدگی زبان ایرانی اندکی از پیشینه

در پیشگفتار، نکته‌ی اخیر را یادآور شده‌اند. مثل‌ها به ترتیب الفبای گویش به فارسی و با خط فارسی نوشته شده و پس از آن تفسیر شده اما آوانگاری نشده است. این بخش نیز گنجینه‌ی ارزشمندی از مجموع زبانزدها در اختیار کاربر می‌گذارد.

بخش پایانی نیز با عنوان «پیوست» فهرستی است از نام شاعرانی که شعر آنها در شاهد مدخل‌ها به کار رفته و نیز نمونه‌هایی از شعر آنها. با وجودی که این شعرها نیز به سبب گویشی بودن گنجینه‌ی ارزشمند واژه‌های تربت حیدریه است اما چون آوانویسی نشده است خواندن و دریافت آن برای کاربر غیر بومی دشوار و گاه ناممکن است.

در بخش نمایه نیز جدول نشانه‌های آوایی را آورده‌اند که اصولاً بهتر است در آغاز و مدخل کتاب بیاید. پس از آن نیز نمایه آمده که دسته‌بندی موضوعی آن دسترسی کاربر به فرهنگ را آسان‌تر و سریع‌تر می‌کند. صفحات پایانی نیز فهرستی است از منابع و مأخذ به کار گرفته شده در تدوین این اثر.

با وجود همه‌ی ارزش‌های ذکر شده، پیشگفتار این کتاب درخور این کتاب نیست و شایسته است که در چاپ‌های بعدی یا آن را اصلاح کنند و از منابع علمی برای تدوین آن بهره ببرند یا حذف. برای نمونه نکاتی یادآوری می‌شود؛ نویسندگان پس از تعیین حدود جغرافیایی شهرستان تربت حیدریه تلاش کرده‌اند از پیشینه‌ی این شهر بگویند که مانند بسیاری دیگر از تألیف‌هایی از این دست از منابع علمی بهره نبرده‌اند. یا در بخش توصیف کشاورزی و آداب و

الفبایی گویش به فارسی و مدخل کردن واژه گویشی بدون آنکه راهنمایی در پایان کتاب برای برابر فارسی مدخل آمده باشد یا واژه‌نامه دوسویه الفبایی شده باشد، کاربر غیرگویشور یا نمی‌تواند یا با خواندن همه‌ی مدخل‌های فرهنگ می‌تواند به واژه مورد نظرش دست یابد و تدوین فرهنگ گویشی با این روش فقط برای کاربر همان گویش بهره دارد که امید است در چاپ بعدی کتاب دیده شود. در ذیل مدخل، تعریفی مختصر و مفید برای هر مدخل آمده و پس از تعریف، شاهد ذکر شده است. برای بیشتر مدخل‌ها شاهدی به گویش تربت حیدریه آمده است. شاهد‌ها هم مثل و زبانزدند که برابر آن را نیز به فارسی آورده یا آن را شرح داده‌اند و هم شعر. شاهد‌های شعری، شعر برخی از شاعران نامدار محلی گوی معاصر تربت حیدریه است. پس از شعرها توصیف و تفسیری برای آن نیامده اما از آنجاکه واژه‌های گویشی شعر در الفبایی خود مدخل شده است می‌توان با مراجعه به آن به تفسیر شعر دست یافت. در پایان شعرها منبع آن آمده است. با وجودی که شاهد‌ها آوانویسی و تفسیر نشده اما آمدن شاهد پس از هر مدخل بر ارزش‌های کتاب افزوده است که الگوی مناسبی برای چگونگی شاهد آوردن برای واژه‌نامه گویشی است.

پس از بخش واژه‌نامه، بخش «ضرب‌المثل‌ها و حکم» است در این بخش زبانزدها و مثل‌های بومی و نیز زبانزدها و مثل‌های رایج در زبان مردم تربت حیدریه را حتی اگر بومی نباشد آورده‌اند که

این کتاب ترجمه اثر ارزشمندی با عنوان *The Gilaki Language* و حاصل بخشی از پژوهش‌های زبان‌شناختی راستار گویوا ایران‌شناس روس است که در سال ۱۹۷۱، در دانشگاه مسکو و به زبان روسی به چاپ رسید. این مجلد را، که شامل یک مقدمه و پنج فصل با عناوین: واج‌شناسی، واژگان، واژه‌سازی، ساخت‌واژه و نحو بود، در سال ۲۰۱۲، رونالد، ام. لاک‌وود به انگلیسی برگرداند و در پایان دو متن ضمیمه، مشتمل بر جمله‌های گیلکی همراه با ترجمه انگلیسی بر آن افزود.

در ترجمه فارسی این اثر پس از یادداشت حوزه هنری گیلان، پیشگفتار لاک‌وود، مترجمان و نهایتاً مقدمه مؤلف، فصل‌های پنج‌گانه کتاب به همراه زیرفصل‌های متعدد آمده و در پایان نیز فهرست منابع درج شده است. در مقدمه، راستار گویوا کوشیده است تا تاریخچه‌ای کامل از پیشینه پژوهش و آثار منتشرشده درباره زبان گیلکی را به دست بدهد. او در بخشی از مقدمه اشاره می‌کند که بیشترین توجه مؤلفان در تدوین این اثر معطوف به صرف و نحو بوده و در بخش واج‌شناسی تنها اطلاعاتی که برای خواندن و درک متون و نمونه‌های دستوری ضروری بوده ارائه شده است. در ضبط و ثبت متون نیز از آوانویسی بین‌المللی و افزودن چند حرف دیگر از یونانی و چند زیر و زبر استفاده شده که توضیح این نمادهای آوانویسی در بخش آواشناسی ذکر شده است. نویسندگان همچنین به منظور بررسی بهتر

فرهنگ مردم تربت حیدریه روش‌های بومی و محلی گفته نشده است، مثلاً ابریشم‌کشی و کشت زعفران و آیین و آداب آن در هر سه مرحله کاشت و داشت و برداشت از مهم‌ترین منابع درآمدی و آداب بومی اهالی تربت حیدریه است که با توصیف آن به واژه‌های بکر بی‌مانندی می‌توان رسید. درکل فارغ از پیشگفتار، این فرهنگ‌نامه، گنجینه گران‌بهایی از واژه تا شعر و زبانزد به گویش تربت حیدریه است که پیش‌تر چندان به آن نپرداخته‌اند.

عفت امانی

راستار گویوا، وی. اس. و همکاران، زبان گیلکی، ترجمه مریم دانای طوس و همکاران، فرهنگ ایلیا، رشت، ۱۳۹۵، ۲۵۲ صفحه.

گیلکی، که مؤلف کتاب حاضر آن را زبان می‌نامد، از گروه شمال غربی خانواده زبان‌های ایرانی است که در کرانه جنوبی دریای کاسپین و در استان گیلان رواج دارد. این زبان صورت مکتوب ندارد؛ هرچند از دهه‌های گذشته تا کنون تلاش‌هایی شده است تا آثار نویسندگان بومی به زبان گیلکی را با استفاده از الفبای عربی منتشر کنند، ولی این شیوه چندان رایج نشد. پژوهش‌ها بر روی این زبان حدوداً از نیمه دوم قرن هجدهم آغاز و تا کنون ادامه داشته است. اما به جرأت می‌توان گفت کتاب زبان گیلکی، جامع‌ترین اثری است که تا کنون درباره زبان گیلکی به نگارش درآمده است.

استاد را به خود مشغول کرد، فراهم کردن منابعی به زبان فارسی برای دسترسی آسان و جامع دانشجویان است تا بتوانند زبان اوستایی را به راحتی بیاموزند. از این رو نوشتن دستوری به زبان فارسی که حاوی جدول‌هایی از شکل‌های صرفی اسامی و افعال اوستایی است در دستور کار قرار می‌گیرد.

اولین تجربه دکترا را شد محصل در دستورنویسی، به سال ۱۳۶۳ در مجموعه یادگار ایران باستان با عنوان درآمدی بر دستور زبان اوستایی، در بیش از ۲۰۰ صفحه و در چهار بخش مفصل شامل کلیات، صرف، پیشوندها و پسوندها، و بررسی یسن نهم از هوم یشت، به عنوان یکی از اولین نمونه‌های دستورنویسی ایرانیان بر زبان‌های باستانی به چاپ می‌رسد. آن کتاب شامل جدول‌های متعددی نیز هست که به صورت ضمیمه در انتهای کتاب آمده و در دیداری‌سازی ساخت‌های اوستایی و یادگیری این شکل‌ها بسیار مفید است.

تا قبل از دومین تجربه دکترا را شد محصل در دستورنویسی، او کتاب‌های متعددی را در بررسی و ترجمه متون اوستا، زند و فارسی میانه تألیف می‌کند که معمولاً به عنوان کتاب‌های اصلی یا گاهی ثانوی در کلاس‌های درس مورد استفاده قرار می‌گیرند. از آن جمله می‌توان به گزیده‌های زادسپرم، زند بهمن یسن و سروش یسن اشاره کرد. کار تألیف کتاب دستور زبان اوستایی ظاهراً از سال‌ها قبل به عنوان بسطی بر کتاب درآمدی بر

ویژگی‌های خاص زبان گیلکی، ترجمه متن‌ها را همیشه به صورت تحت‌اللفظ ارائه نکرده‌اند.

بنا بر تصریح مترجمان در پیشگفتار، در ترجمه تلاش بر آن بوده تا متن کتاب به زبانی درست و سلیس برگردانده شود، برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی بهترین معادل برگزیده شود، و برای واژه‌ها و اصطلاحاتی که مبهم بوده‌اند، توضیحاتی در پانویشت ارائه شود. علاوه بر این‌ها در مواردی که واژه‌ها و جمله‌های گیلکی در متن انگلیسی گاه نادرست ترجمه شده، صورت درست در پانویشت ذکر شده است. لیلا نوری کشتکار

راشد محصل، محمدتقی، دستور زبان اوستایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۷، ۵۸۳ صفحه.

دکتر محمدتقی راشد محصل استاد بازنشسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از استادان بنام رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران است که سال‌های متمادی درس‌های اوستا و گاهان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری این رشته را در پژوهشگاه و دانشگاه تهران تدریس کرده است و تألیفات متعددی در دستور زبان اوستایی و مطالعه متون اوستایی دارد، از این رو، به جرأت می‌توان گفت که بیشتر فارغ‌التحصیلان دوره دکتری این رشته در ایران دانش اوستایی خود را مستقیم یا غیرمستقیم مدیون تدریس و تألیفات وی هستند. در سال‌های تدریس، بیشترین چیزی که ذهن

در هر عنوان یا زیرعنوان را دید و به این ترتیب به راحتی موضوع بحث را در کتاب‌های مرتبط که معمولاً به زبان‌های اروپایی نگاشته شده‌اند، تشخیص داد و مقابله کرد.

بخش اول، کلیات، در حدود پانزده صفحه، اطلاعاتی سریع و کلی درباره جایگاه زبان اوستایی در میان زبان‌های ایرانی، شکل‌گیری اوستا در بستر تاریخ، و پژوهش‌ها بر زبان اوستایی به دست می‌دهد. همچنین به دست‌نویس‌های اوستایی و چاپ‌های اوستا پرداخته و تفاوت‌های اوستای ساسانی را با اوستای امروز برمی‌شمرد.

بخش دوم کتاب بلافاصله وارد آواشناسی شده و جز اینکه به بررسی الفبا و ارزش آوایی واژه‌ها و همخوان‌ها می‌پردازد، به علاوه منشأ الفبای اوستایی و نیز اشتقاق آواهای اوستایی از زبان هندواروپایی را نیز در قالب جدول‌ها و با ذکر مثال شرح می‌دهد. همچنین پدیده‌های آواشناختی زبان اوستایی از قبیل واژه‌افزایی، افزودن میان‌هشت‌ها و پیش‌هشت‌ها و تقلیل، نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند و در آخر پدیده گردش مصوت‌ها شرح داده شده است.

در صرف، استاد پیش از معرفی شکل‌های صرفی، به تعریف اصطلاحاتی نظیر اسامی، هشت حالت صرفی و معادل‌های آنان به زبان فارسی و عربی، ریشه، ماده و ستاک پرداخته و درباره انواع صرف و تفاوت تنظیم واژه‌نامه‌های اخیر نسبت به واژه‌نامه‌های قدیمی‌تر (پیش از

دستور اوستایی ذهن استاد را به خود مشغول کرده بوده است. بر اساس تاریخی که خود استاد در انتهای پیشگفتارشان آورده‌اند، کار تألیف کتاب در زمستان ۱۳۹۴ به پایان رسیده بوده است. این طور به نظر می‌رسد که همین انتشار نیم‌بند و کم‌تیراژ کتاب، با همین صفحه‌آرایی همیشگی پژوهشگاه، با قلم اندازه ۱۶ در سراسر کتاب، حدود سه سال به درازا کشیده است! اما خوانندگان محترم تا همین جا به راحتی می‌توانند حدس بزنند که نبود بودجه و مسائل مالی دیگر تا چه اندازه بهانه‌ای بد برای چاپ معدود و نامناسب این کتاب بسیار مهم خواهد بود.

دستور زبان اوستایی بر پایه سه کتاب آواشناسی و تصریف زبان اوستایی هوفمن و فورسمن (1996)، فعل اوستایی اثر ژان کلنز (1984) که حاوی مطالب و دستاوردهای جدید مطالعات زبان اوستایی هستند، به علاوه کتاب کهن اما ارزشمند جکسون، دستور اوستایی (1892)، که خود بر پایه دستور ویتنی بر سنسکریت تهیه شده بوده، تألیف شده است.

از دیگر محاسن این کتاب وجود یک فهرست مفصل است که خوانندگان را در یافتن مطالب و ترتیب قرار گرفتن آنها به خوبی راهنمایی می‌کند. فهرست کتاب خود به تنهایی بالغ بر بیست صفحه است و همه زیرعنوان‌ها و عنوان‌های فرعی را به صورت دقیق پوشش می‌دهد. به علاوه، در فهرست می‌توان معادل‌های انگلیسی اصطلاحات زبان‌شناختی مورد بحث

تسهیل کرده و از ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب است. همچنین در بخش ضمائر موصولی تمام شکل‌های مؤنث، مذکر و خنثی، در شمارهای مفرد، مثنی و جمع در یک صفحه کنار هم و در یک جدول دیده می‌شوند (ص ۱۱۵).

اما جدول صرفی *auua* (ص ۱۲۱-۱۲۲) به شکل غریبی متفاوت است، زیرا شکل‌های صرفی در آن به صورت افقی قرار نگرفته و در حالت عمودی به صفحه و چشم خوانندگان آمده‌اند، در حالی که بخش کوچکی از جدول در یک صفحه و بخش بزرگ‌تر آن در صفحه بعد آمده است. به نظر می‌رسد که این گونه حروف‌نگاری برای گنجاندن شکل‌های کلمه در ستون‌ها انتخاب شده است، با این حال، با توجه به شکل‌های صرفی اسامی طولانی‌تر، هنوز نمی‌توان این شکل غریب و خارج از صورت معمول را توجیه کرد.

فصل پنجم به فعل اختصاص دارد. در اینجا نیز ابتدا، استاد اصطلاحات و مفاهیمی که برای فارسی‌زبانان مشکل است، از قبیل ریشه، ستاک، ستاک‌های *a* دار، دستگاه، وجه‌های مختلف فعل و غیره، را شرح داده و معادل‌های انگلیسی آنها را نیز در متن آورده است سپس به توضیح ویژگی‌های کلی فعل در زبان اوستایی می‌پردازد و هر کدام از این ویژگی‌ها را که باید مورد توجه نوآموزان زبان اوستایی قرار بگیرد، به طور جداگانه، و با ذکر مثال شرح می‌دهد. سپس بررسی شناسه‌های اولیه و ثانویه در افعال و نیز بررسی ستاک‌ها و شکل‌های آنها در

آوانگاری هوفمن) مثل بارتلمه نیز نوآموزان زبان اوستایی را راهنمایی کرده است. بخش صرف و حتی ضمائر و اعداد (بخش سوم و چهارم) این کتاب از منطق مشابهی با منطق حاکم بر دستور سنسکریت ویتنی و دستور اوستایی جکسون پیروی می‌کند و مثال‌های آن عیناً همان مثال‌های جکسون است. واژه‌ها بر اساس شکل پایانی خود در دسته‌های گوناگون صرفی قرار گرفته و صورت‌های صرفی آنها در جدول‌های چهارستونی به خوبی قابل دیدن است. به دنبال این، جدول‌های شکل‌های صرفی خاص نیز به طور جداگانه با ذکر مثال و شکل ودایی/ سنسکریت و فارسی باستان (در صورت وجود) آنها نیز می‌آیند. با این حال، شکل‌های خاص بسیار مبسوط‌تر و مفصل‌تر از بخش مشابه در کتاب جکسون شرح شده‌اند.

یکی از ویژگی‌های بخش صرف در این کتاب آن است که هر جا یک حالت صرفی خاص در اوستا برای واژه مثال در جدول ضبط نشده باشد، دکتر راشد محصل از آوردن شکل بازسازی شده آن حالت صرف نظر کرده و مثال را از کلمه دیگر آورده است. این کار توجه خوانندگان را به شکل متفاوت جلب کرده و به خوبی در ذهن آنها خواهد ماند.

در بخش ضمائر، وجود یک جدول (ص ۱۰۹) برای نشان دادن تمام شکل‌ها و حالت‌های صرفی ضمائر شخصی در همه اشخاص، به خاطر سپاری و مقایسه این شکل‌ها را

دستگاه‌های صرفی اشاره شده است.

بخش کوتاه‌تر بعدی که به بررسی صرف‌های ثانوی، از قبیل صرف‌های مجهول، سببی، جعلی، آغازی، آرزویی، تشدید، مشتقات فعل و غیره، می‌پردازد، در دیگر کتاب‌های دستور اوستایی از قبیل دستور اوستایی جکسون، معمولاً قسمتی از همان بخش مربوط به فعل را تشکیل می‌دهند. جدا کردن این بخش از بخش فعل باعث توجه بیشتر به این ساخت‌ها و تفاوت آنها با ساخت‌های اولیه فعل در اوستایی است که معمولاً در کلاس‌های درس اوستایی مشکل‌ساز می‌شوند و نیازمند توضیح بیشتر است. از این‌رو می‌توان گفت که در تقسیم‌بندی بخش‌ها نیز اهداف آموزشی بر ساختارهای تشکیل‌دهنده کلمات ترجیح یافته‌اند. با این‌همه، در پایان هر کدام از زیرعنوان‌های مذکور، ارجاع به بخش‌های مرتبط در کتاب‌های دیگر آمده است تا خوانندگان ریزبین بتوانند مطلب را در کتاب‌های دیگر نیز دیده و ارتباط آنها را با ساختار فعل دنبال کنند.

در بخش نحو، با نیم‌نگاهی به متن‌های بررسی شده در کتاب، شرح و توضیح نحو اوستایی به ساده‌ترین و روان‌ترین زبان بیان شده است. ارجاعات پیوسته به دستور تاریخی دکتر ابوالقاسمی (۱۳۷۵) نیز می‌تواند برای خوانندگان کتاب بسیار مفید بوده و منابع فارسی مطالعات زبان اوستایی را از درون به یکدیگر پیوند دهد به گونه‌ای که نوآموزان زبان اوستایی را از ارجاع به منابع غیرفارسی تا حد

زیادی بی‌نیاز گرداند.

پس از آن، دو بخش از متون اوستایی هوم‌یشت (یسن نهم) و سروش‌یشت (یشت ۱۱) به خط اوستایی می‌آید. در ادامه واژه‌نامه مفصل کلمات اوستایی با ذکر حالت‌های به‌کاررفته در متون قرار گرفته است. این دو بخش در کنار هم برای تمرین و به‌خصوص در سر کلاس‌های درس اوستایی بسیار مفید هستند، زیرا حرف‌نویسی و ترجمه آنها در کتاب نیامده و به دانشجویان فرصت می‌دهد که کلمات را یک‌به‌یک بررسی کرده و متن را خود ترجمه کنند. متون انتخاب‌شده نیز به دلیل دربرداشتن بیشتر صورت‌های صرفی و نحوی در اوستایی، برای تمرینی همه‌جانبه بسیار مؤثر و متناسب هستند. تعلیقات کتاب شامل جدول اصطلاحات انگلیسی و معادل‌های فارسی، آلمانی و فرانسوی آنها، جدول اصطلاحات فارسی و معادل‌های آلمانی، فرانسوی و انگلیسی، و نیز نمایه برای یافتن نکات پرتعداد کتاب بسیار مناسب است و کتاب را به مرجعی بی‌بدیل برای مسائل زبان‌شناختی زبان اوستایی تبدیل می‌کند.

همان‌طور که هیچ کتابی به این حجم و جزئیات که در حروف‌نگاری با چندین زبان متفاوت سر و کار داشته باشد، بی‌اشتباه نمی‌تواند باشد، چندین سهو کوچک نیز در این کتاب به چشم نگارنده این سطور رسید که امیدوار است در چاپ‌های بعدی تصحیح گردد. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: declination به جای

بخارایی) است. در این بخش نویسنده ضمن معرفی کتاب یادداشتی درباره لهجه بخارایی از احمدعلی رجایی بخارایی و ارزنده دانستن آن، نمونه‌هایی از متن کتاب را نیز آورده است.

بخش سه با عنوان «سیمای یک افسانه‌گوی بخاری از نگاه استاد عینی» است. در این بخش ضمن معرفی استاد عینی و اثر او و آوردن نمونه‌هایی از متن کتاب او، نویسنده از افسانه‌گویان بخارای قدیم یاد کرده و در آن میان پیرزنی به نام توته‌پاشا را معرفی و اذعان می‌کند که توته‌پاشا بر نویسنده کتاب یعنی «عینی خردسال تأثرات بلند می‌گذارد» و استاد عینی در بزرگسالی سیمای این افسانه‌گوی بخاری را شرح می‌دهد. نویسنده، استاد عینی را نخستین کسی می‌داند که از زندگی یک افسانه‌گوی بخاری نوشته و او را معرفی کرده است. در ادامه نیز خاطره‌هایی از توته‌پاشا از قول استاد عینی نقل می‌کند.

بخش چهار «شگ‌های بخارا در آخر سده ۲۰ میلادی» نام دارد. در این بخش نویسنده مشاهدات خود را در سفر به بخش‌های گوناگون بخارا بیان می‌کند و یادآور می‌شود که هرچند اندک ولی هنوز قصه‌گویی و افسانه‌گویی به شیوه دیرین، در بخارا شنیده می‌شود. ضمن برشمردن دلایل این امر مهم‌ترین دلیل آن را بزرگسالانی می‌داند که آیین نیاکان را برای فرزندانشان گسترش می‌دهند و ضمن گرامی‌داشت این آیین قصه‌ها و افسانه‌های بخارا را نیز نقل می‌کنند. در این بخش نویسنده اندکی از سفرهای خود به

declension (ص شش و ۳)، airiiamā (شکل اوستایی کهن) به جای airiama (ص ۷۸)، dātā، (شکل اوستایی کهن) به جای data (ص ۹۱)، anaocaohā به جای anaocanhā (ص ۹۶)، vacōbiš به جای vacōbiš (ص ۹۶)، vīduša به جای vīduša یا vīduša (ص ۱۰۰)، mod، به جای mode (ص ۱۳۸) و غیره.

سیده فاطمه موسوی

رحمانی، روشن، نثرگفتاری تاجیکان بخارا (افسانه‌ها، قصه‌ها، روایت‌ها)، زیر نظر حسن قریبی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، تهران، ۱۳۹۷، ۷۱۲ صفحه.

مدخل کتاب به رسم کتاب‌هایی که به نوعی به گویش و زبان مردم می‌پردازد جدول آوانگاری است. پس از آن، کتاب با پیشگفتاری کوتاه از محمدجان شکوری بخارایی آغاز می‌شود و موضوع آن اهمیت گردآوری و نشر علمی متن‌های گفتاری است.

در بخش بعدی که سرسخن نام دارد نویسنده پیرامون نثر گفتاری و شماری از منابع مرتبط و گونه‌های نثر گفتاری نوشته است.

در بخشی با عنوان «اشاراتی درباره پژوهش فولکلور تاجیکان بخارا» نویسنده به بررسی معنایی شُگ (افسانه، قصه، روایت) پرداخته است و نیز اندکی از پیشینه گردآوری ادبیات شفاهی بخارا و آثار نوشته‌شده در این باره گفته است.

عنوان بخش بعد «لهجه بخارایی رجایی

در نشر معاصر ادبیات تاجیک به تأثیر ادبیات روس اصطلاح حکایه پذیرفته شده، ولی نویسنده این اصطلاح و حکایت‌ها را در متون کهن فارسی پی می‌گیرد.

بخش ده: «قصه‌خوانی و قصه‌گویی» است. نویسنده در این بخش از پیشینه قصه‌خوانی و قصه‌گویی و دلایل گسترش آن در آسیای میانه و نیز کشورهای اسلامی و ایران می‌گوید و نیز سبب گسترش قصه‌های شفاهی را افزون‌بر خود مردم، متون کهن ایرانی می‌داند که قصه‌های آنها پس از شنیده شدن با شاخ و برگ‌های اضافی و افزونی و کاستی دهان به دهان در شهر روایت می‌شد. او ضمن آوردن مثال‌ها و شواهدی قصه و قصه‌خوانی را برای گذشتگان در ایران و تاجیکستان و افغانستان عادت دانسته، افزون‌بر آنکه در مناسبات و آیین‌های گوناگون سنت بوده است.

در بخش یازده که درباره مضمون و موضوع قصه‌های گفتاری است، نویسنده اساس را در پرورش مضمون قصه‌های گفتاری دین می‌داند و افزون‌بر اسلامی بودن محتوای این قصه‌ها دین‌های دیگر را نیز اساس پیدایی و روایی این قصه‌ها و نیز موضوع این قصه‌ها دانسته و نیز دلیل اشتراک نمادهای این قصه‌ها را که بین مردم عالم مشترک است دین دانسته است.

در بخش دوازده با عنوان «ورینت‌های نوشتاری و گفتاری» نویسنده چگونگی رویارویی با روایت‌های گوناگون قصه‌های شفاهی را بررسی کرده است. این بررسی با روایت قصه ایوب پیامبر

بخارا و ثبت قصه‌ها و افسانه‌های بخارا با روایت‌های دیگر را گفته است.

بخش پنجم «شگ‌های مظفرخوجه» نام دارد. در این بخش نویسنده از خاطره‌ها و تجربه‌هایی رویارویی خود با یکی از قصه‌گویان و راویان ادبیات شفاهی و دیرین در بخارا گفته است. در این بخش به خوبی می‌توان با دشواری‌های پژوهش‌های میدانی این چنینی آشنا شد. نویسنده نیز تجربه‌های خود را به شیرینی با بیان خاطراتش از این پژوهش‌ها بیان کرده است.

بخش شش «خصوصیت‌های قصه» نام دارد. در این بخش نویسنده قصه را تعریف و تفاوت آن را با دیگر انواع ادبی بیان کرده است. در خلال این تعریف نیز دیدگاه دیگر پژوهشگران تاجیک و ایرانی را در این زمینه آورده است.

در بخش‌های هفت و هشت که به ترتیب «قصه و افسانه» و «قصه و روایت» نام دارد نویسنده به بیان تفاوت‌های قصه با افسانه و روایت پرداخته و با آوردن مثال‌ها و نقل قول‌هایی از دیگر پژوهشگران به خوبی این دو گونه ادبی را از هم جدا و توصیف کرده است. نیز بر لزوم جدا کردن این گونه‌ها تأکید دارد.

بخش نهم «قصه و حکایت‌های شفاهی (یا نقل)» است. نویسنده در این بخش بر لزوم تثبیت اصطلاح «حکایت‌های شفاهی» مانند ادبیات شفاهی تأکید دارد. او متون ادبی کهن فارسی را مثال می‌آورد که اساس آنها حکایت‌های شفاهی است و با وجودی که گفته‌اند

بررسی نحو و ساخت‌واژه زبان این قصه‌های مردمی را نیز امکان‌پذیر کرده است. در میان قصه‌ها و روایات شماری مثل و زبانزد نیز آمده است که گزینش آنها می‌تواند مجموعه‌ای از زبانزدهای بخارا را فراهم کند.

پس از نقل روایات، نویسنده هر افسانه را با شماره مشخص کرده و در برابر آن نام راوی آن و سنّ و زادگاهش را آورده است. در پایان نیز لغت‌نامه‌ای کوچک اما مفید برای واژه‌های دشوار بخارایی و برگردان آن به فارسی آورده است.

عفت امانی

سعیدی، سهراب، لالایی‌ها و بازی‌ها و سرگرمی‌های میناب، میناب، ۱۳۹۶، ۱۷۰ صفحه.

لالایی گفتن، جزو اولین راه‌های ارتباطی میان کودکان و والدین محسوب می‌شود، اما این فرهنگ دلنشین، نسل به نسل، بسیار کم‌رنگ شده و متأسفانه اکنون دوران نابودی کامل را سپری می‌کند. از دیرباز این آوازه‌ها را غلامان و دایگان ترک (لله‌ها) برای کودکان می‌خوانده‌اند. خودمانی‌ترین عاطفه‌های زندگی با مضمون ساده و بی‌پیرایه، آمیخته با عشق و احساس و آرزو در آهنگ صدای مادر با خواندن لالایی جلوه‌گر است. ابتدایی‌ترین مرحله شعر و موسیقی و نخستین تراوش‌های روحی انسان، لالایی است که به سبب ساختمان ساده‌اش، تنها برای آوازه‌های یک صدایی به کار می‌رود. لالایی جزو اولین و

انجام شده است. نویسنده این قصه را به این دلیل انتخاب کرده است که ضمن داشتن روایت شفاهی، در منابع مکتوب گوناگون دینی و تاریخی در فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون شکل‌های گوناگونی دارد. به این ترتیب تلاش دارد خواننده را با چگونگی انتخاب یک روایت معتبرتر آشنا سازد گرچه دید او فقط بیان روایت‌های گوناگون یک قصه یا افسانه است نه اعتبارسنجی نسخه‌ها.

پس از این مقدمات، کتابنامه و پس از کتابنامه بخش اصلی کتاب یعنی قصه‌های شفاهی مردم بخارا، که در پژوهش میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده نقل شده است.

پس از همه این پیش‌درآمدها سخن اصلی یعنی بازگویی افسانه‌های بخارا آغاز می‌شود. هر افسانه ابتدا آوانگاری شده و سپس با خط فارسی نوشته شده است. این افسانه‌ها عموماً طولانی‌اند بنابراین نویسنده آنها را تکه‌تکه آوانگاری کرده است تا خواندن آن آسان‌تر باشد. در مجموع ۶۴ افسانه و قصه بومی بخارا در این کتاب گردآوری شده است.

از ارزش‌های این کتاب افزون‌بر درون‌مایه آن یعنی قصه‌ها و افسانه‌های محلی و باورهای مردمی، واژه‌های گفتاری به کاررفته در آن است که در زبان مردم بخارا به کار می‌رود و برگرفته از قصه‌ها و افسانه‌ها و باورهای مردمی است یعنی بکرترین منبع برای پژوهش‌های گویشی؛ به‌ویژه پژوهش‌های تطبیقی و بررسی این واژه‌ها با گویش‌های کنونی ایران به‌ویژه در خراسان، سیستان و بلوچستان و کرمان. گوناگونی و بسیاری این قصه‌ها و روایت‌ها،

چون واقعه‌ای تازه و پراهمیت، مطمح نظر اندیشمندان جهان است و عاشورای حسینی سرود نینوایی و داستانی است که هفت گنبد افلاک، همواره از آن طنین‌انداز است. این واقعه از هر زبان که برآید شنیدنی است.

این کتاب مجموعه‌ای گران‌سنگ از سوگ‌نامه‌های عاشورایی است که از خامه‌تبی چند از شعرای متعهد و صاحب‌دل شهر میناب تراویده است. چاپ نخست این اثر شامل نوحه‌های شاعران مرثیه‌سرای قرن ۱۲ و ۱۳ میناب در سال ۱۳۸۷ و چاپ دوم شامل نوحه‌های شاعران قرن ۱۴ میناب در سال ۱۳۸۹ منتشر شد. کتاب حاضر چاپ سوم این اثر است. مؤلف ضمن معرفی شاعران مرثیه‌سرای میناب چون منصف، ملاحسین مسیحا، ملامعروف، حسین‌علی قضائی، قنبر، ذاکر، محمدشفیع رنجبر (وارث لازم) نمونه‌هایی از نوحه‌های ایشان را آورده است. در پایان نیز برخی از نوحه‌های رایج در میناب را ذکر کرده است.

مریم رضایی

غیبی، بیژن، *دوازده متن باستانی*، انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، تهران، ۱۳۹۶، ۳۷۷ صفحه.

آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده، بیشتر آثار دینی زردشتی است زیرا اغلب آثار ادبی صرف، چه منشور و چه منظوم از بین رفته است. باین‌همه، آنچه باقی مانده از تنوع بسیار برخوردار است و نه تنها برای

ابتدایی‌ترین اشکال شعر غیررسمی یا افواهی محسوب می‌شود، بنابراین ناگفته پیداست که اگر این لالایی‌ها که بخشی از ادبیات عامیانه به‌شمار می‌آیند، صورت مکتوب و مدون پیدا نکنند، به‌زودی نسلی از مادران و مادر بزرگ‌های ناآشنا با لالایی خواهیم داشت.

آنچه در این مجموعه آمده است، لالایی‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌های بومی و محلی میناب و استان هرمزگان است که مؤلف کتاب حتی‌المقدور تمامی لالایی‌ها را آوانگاری کرده است. به‌منظور توجه به محتوا و مضامین این اشعار از چند شعر محلی که بازگوکننده گوشه‌هایی از خاطرات، فرهنگ و آداب و رسوم کهن مردم استان است، استفاده شده و ضمن توجه به جنبه‌های متفاوت لالایی، به بازی‌هایی که در آنها ترانه وجود دارد نیز اشاره شده است.

این کتاب در سه فصل تدوین شده است: (۱) کلیات، (۲) شعر کودک و بازی‌هایی که در آن شعر وجود دارد، (۳) بازی‌های محلی و انواع آن.

مریم رضایی

سعیدی، سهراب، *رخش بی سوار: ادبیات عاشورایی مردم هرمزگان (جمع‌آوری، تصحیح و بازنویسی نوحه‌ها)*، قم، ۱۳۹۷، ۲۴۰ صفحه.

پس از گذشت اعصار پر از رخدادهای عظیم، حادثه‌عاشورای سال شصت و یک هجری به‌عنوان شگفت‌انگیزترین رویداد تاریخ بشر، هنوز هم

موضوع اصلی، یعنی آوانویسی و ترجمه متون پهلوی، دیگر محتویات هر بخش با بخش دیگر تفاوت‌هایی جزئی در عناوین یا ترتیب قرار گرفتن آنها دارد. متن پهلوی نیز ظاهراً اگر کوتاه بوده آورده شده در غیر این صورت به آوردن نمونه‌ای از صفحات آن اکتفا شده است. باقی اطلاعاتی که برای هر قسمت آمده با توجه به موضوع و اهمیت واژگانی، تاریخی و فرهنگی همان متن است. در مقدمه کتاب نیز سال یا سال‌های چاپ پیشین هر یک از جزوه‌ها ذکر شده است. علاوه بر این‌ها در شماره‌گذاری برگ‌های کتاب ضمن شماره‌های اصلی، شماره صفحات جزوات منتشرشده پیشین نیز حفظ شده است؛ به این صورت که در بالا و در قسمت سرصفحه شماره‌های اصلی و در پایین وسط صفحه شماره‌های چاپ قبلی درج شده است.

یکی از ویژگی‌های این اثر ارزشمند، غیر از خوانش‌های جدید از متون پهلوی، یادداشت‌های بسیار مفید غیبی درباره نام‌ها، واژه‌ها و ترکیبات متون مورد بررسی است. در بخش پایانی نیز غیبی خوانش تازه‌ای از سرود زیبای آتش کرکوی که در تاریخ سیستان نقل شده، به دست داده است.

لیلا نوری

نصرتی سیاه‌مزگی، علی، فرهنگ تالشی (واژه‌ها و ترکیب‌های تالشی جنوبی)، فرهنگ ایلیا، رشت، ۱۳۹۵، ۲۷۹ صفحه.

تالشی از زبان‌های ایرانی نو غربی شمالی است با سه گویش تالشی شمالی، مرکزی و جنوبی که در

شناخت دین زردشتی زمان ساسانی، بلکه برای پی بردن به اسطوره‌های باستانی ایران، شناخت جهان‌بینی، تاریخ و فرهنگ و زبان ایرانیان باستان منابع گران‌بهایی به‌شمار می‌روند. زمان تألیف این آثار نسبتاً متأخر است، اما مطالب آنها غالباً به اعصار کهن بازمی‌گردد.

مجموعه حاضر شامل دوازده متن پهلوی است که غیبی در عرض ۲۵ سال به تدریج به صورت جزوه‌هایی در بیلفلد آلمان منتشر کرده است؛ اکنون همه این جزوه‌های نایاب و دست‌نیافتنی در مجلدی واحد با تجدید نظر کامل بار دیگر انتشار یافته است. در این اثر مؤلف علاوه بر اینکه در تصحیح و ترجمه آنها به زبان فارسی کوشیده، تعلیقات و حواشی سودمندی نیز بر هر متن افزوده است.

بخش‌های دوازده‌گانه کتاب که هر یک به نام یکی از متون باستانی نام‌گذاری شده است عبارت‌اند از: گزارش شطرنج، داستان یوشت فریان، ماه فروردین روز خرداد، یادگار زیران، آمدن شاه بهرام ورجاوند، سور سخن، خویشکاری ریدکان و اندرز به کودکان، فرخ‌نامه، تخمه‌شماری زرتشت، چیم کشتی، چیم درون، آفرین پیغامبر زرتشت.

همان‌گونه که مؤلف در پیشگفتار مختصر کتاب تصریح کرده است، به سبب بالا بودن حجم کار و همچنین جزوه‌های متعدد آثار منتشرشده پیشین، هماهنگی و یکدستی در برخی موارد رعایت نشده است. از این رو، به کارگیری شیوه‌ای واحد در تنظیم مطالب هر بخش نیز امکان‌پذیر نبوده و غیر از دو

را با ۶۶۰۰ واژه نوشت؛ ابوالفضل رجب‌آوف، در ۱۹۹۲، لغت‌نامه تالشی به ترکی را با ۵۰۰۰ واژه در باکو چاپ کرد. در فرهنگ‌نویسی تالشی مرکزی و جنوبی واژه‌نامه ماسوله‌ای اثر ژیلبر لازار در ۱۹۷۹؛ فرهنگ تاتی، تالشی، از علی عبدلی، در ۱۳۶۳؛ فرهنگ تطبیقی تاتی، تالشی، آذری از علی عبدلی، در ۱۳۸۰؛ فرهنگ تالشی، از فرامرز مسرور ماسالی، ۱۳۷۶؛ تالشی‌نامه (فرهنگ تعبیرات و کنایات تالشی)، از علی نصرتی سیاهمزیگی، ۱۳۸۶؛ لغت‌نامه تالشی، از علی رفیعی جیردهی، ۱۳۸۶؛ فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی، از محرم رضایتی کیشه‌خاله و ابراهیم خادمی ارده، در ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است.

نویسنده این اثر که خود نیز گویشور تالشی جنوبی است این فرهنگ را به روش پژوهش میدانی و در گذر سالیان فراهم آورده است. مؤلف پس از پیشگفتار، به بررسی ویژگی‌های دستوری تالشی جنوبی شفت و سیاهمزیگی، در حوزه‌های آوایی، صرفی و نحوی می‌پردازد. در بخش ویژگی‌های دستوری تالشی جنوبی، موضوعاتی مانند: صامت‌ها، مصوت‌ها و مصوت‌های مرکب، اسم، ضمیر، صفت، قید، ریشه فعل، فعل، مصدر، پیشوندهای فعلی، فعل مجهول، فعل امر، ساخت‌کنایی، واژه و گروه اسمی در تالشی جنوبی شفت بررسی می‌شوند. در تالشی جنوبی تطابق فعل با مفعول از بین رفته و همچنین در شکل فاعلی مفعول نیز نمانده است و تنها در سوم‌شخص مفرد و جمع فعل‌های متعدی بر جای

میانۀ دورود کورا، در جمهوری آذربایجان و سفیدرود (ایسبی‌رو)، در استان گیلان بدان سخن می‌گویند. میان کورا و ناورود گسترۀ تالشی شمالی، میان ناورود و سفارود (شِف‌رو) گسترۀ تالشی مرکزی و میان سفارود و سفیدرود گسترۀ تالشی جنوبی است. تالشی جنوبی بخش‌هایی از شهرستان‌های فومن، شفت، رضوان‌شهر، ماسال و شاندرمن و صومعه‌سرا را شامل می‌شود. گویش سیاهمزیگی گونه معیار گویش تالشی جنوبی به‌شمار می‌آید. سیاهمزیگی از روستاهای شهرستان شفت است. در فاصلۀ هفده کیلومتری شفت به جنوب غرب، سیاهمزیگی در دهستان نصیرمحلّه جای دارد. بخش اندکی از این روستا در جلگه و بیشتر آن در کوهستان واقع است. معیشت اصلی مردم سیاهمزیگی دامداری بوده است، اما امروزه دلایلی متفاوت، مردم را از آبادی‌ها کوچانده و در کنار جاده و رود اسکان داده است. بسیاری از مردم ساکن روستاها به شهر رفته‌اند و تعدادی نیز به پرورش کرم ابریشم، برنج‌کاری و چای‌کاری مشغول‌اند و دامداری دیگر به صورت قدیم رواج ندارد.

مؤلف در پیشگفتار یادآور می‌شود که در فرهنگ‌نویسی تالشی شمالی، پاول ریس در ۱۸۵۵، در رسالۀ درباره تالش‌ها، طرز زندگی و زبان آنها، ۴۵۰ واژه تالشی را به روسی و فارسی برگرداند؛ میلر در ۱۹۳۰، در کتاب متون تالشی نزدیک به ۲۰۰۰ واژه تالشی را به فارسی و روسی برگرداند؛ پریکو در ۱۹۷۶ فرهنگ تالشی به روسی

قدیمی و در حال نابودی که تنها سالمندان آن را به کار می‌برند از نشانه [قد] استفاده شده است، و سایر نشانه‌ها [کودکانه] یعنی واژه‌هایی که بیشتر کودکان به کار می‌برند و [خوارداشت] که نشانه تحقیرآمیز بودن واژه است. این فرهنگ با نمایه، دو نقشه از استان گیلان و نقشه راه دسترسی به سیاهمزیگی و کتابنامه به پایان می‌رسد.

میترا فریدی

مهرآوران، محمود و غلامی، سعید،
گویش‌نامه علامرودشت، پژوهشگاه علوم
انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۶،
۴۷۴ صفحه.

علامرودشت از گویش‌های جنوب استان فارس است. نویسندگان در سرآغاز کتاب از انگیزه‌شان در گردآوری این گویش‌نامه می‌گویند و اظهار می‌دارند که بسیاری از واژه‌ها و اصطلاح‌های این گویش نادر و نیز بسیاری از آیین و آداب گویشوران این گویش منسوخ و متروک شده است. موضوع پیشگفتار چگونگی تدوین کتاب و توضیح موضوع و محتوای فصل‌های گوناگون آن است و اندک «توضیحی درباره برخی شیوه‌های نوشتاری در متن».

این کتاب در شش فصل، گویش علامرودشت را بررسی و معرفی کرده است. فصل نخست مقدمه کتاب است که مانند بیشتر پژوهش‌های گویشی به تعریف و توصیف زبان و گویش و لهجه و بیان تفاوت آنها با دیگری و نیز

مانده است. ساخت‌کنایی در گویش‌های تالشی شمالی و مرکزی در فعل‌های ماضی متعدی حفظ شده است.

فرهنگ تالشی جنوبی فرهنگی موضوعی است و در آن واژگان تالشی در سی‌وهفت دسته قرار می‌گیرند. دسته‌بندی به گونه‌ای است که سرواژه‌ها تکراری نباشند و اگر سرواژه‌ای در چند دسته آمده دلیل بر معانی متفاوت آن دارد. تعدادی از سرواژه‌ها در هیچ دسته‌ای نمی‌گنجند، در نتیجه در گروه آخر و با عنوان «واژه‌های دیگر» آمده‌اند. موضوعاتی که در فرهنگ تالشی جنوبی بررسی می‌شوند عبارت‌اند از: آیین، باور، ابزار، وسیله، بازی، باغ، کشاورزی، بدن، بیماری، پرنده، حشره، آبی، پوشاک، زیور، پیشه، تبع، تکرار، ترکیب عطفی، ترکیب فعلی، جای نام، جغرافیای طبیعی، هوا، حیوان، خوراک، خویشاوند، خطاب، دامداری، فرآورده دامی، درخت، جنگل، دعا، نوازش، رنگ، مزه، بو، ریسندگی، بافندگی، ساختمان، سوگند، تکیه‌کلام، صفت، ضمیر، عدد، واحد، قید، گاه‌شماری، گیاه، تره، سبزی، مصدر پیشوندی، مصدر ساده، میوه، ناسزا، نفرین، نام‌آوا، شبه‌جمله، نوا، ویژگی و رفتار انسانی، واژه‌های دیگر.

همه سرواژه‌ها در پایان کتاب نمایه شده‌اند و این کار جست‌وجوی واژگانی را آسان می‌کند. تعدادی از واژه‌ها دارای دو نوع تلفظ هستند و هر دو به کار می‌روند، در این موارد واژه پربسامدتر به‌عنوان سرواژه انتخاب شده است. برای واژه‌های

عوامل مؤثر در دگرگونی گویش‌ها، بیانِ ضرورت و پیشینه پژوهش و شیوه پژوهش و برخی موضوعات مرتبط با گویش علامرودشت مانند معرفی منطقه و ساخت زندگی اقتصادی پرداخته است.

فصل دوم درباره ویژگی‌های زبان‌شناسی و دستوری گویش علامرودشت است که در آن آواها و صرف و نحو در این گویش بررسی و توصیف شده است.

نویسندگان در فصل سوم با عنوان «جای پا در متون گذشته» شماری از واژه‌هایی را بررسی کرده‌اند که امروزه در گویش علامرودشت کاربرد دارد و بازمانده زبان فارسی دری یا زبان پهلوی است. این واژه‌ها را با فرهنگ زبان پهلوی تألیف بهرام فره‌وشی و شرح و تعلیقات بر متونی مانند شاهنامه فردوسی، سیاست‌نامه، تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، و مرزبان‌نامه سنجدیه‌اند و نیز برخی ویژگی‌های دستوری همسان را نیز توصیف کرده‌اند. این فصل دو موضوع کلی دارد: پیشینه برخی از واژه‌ها در زبان پهلوی و واژه‌های گویشی در متون ادب فارسی. دادن شاهد از متن کهن برای هر یک از این واژه‌ها مفید افتاده است.

در فصل چهارم که طولانی‌ترین و مفصل‌ترین فصل کتاب است، جمله‌ها و کنایه‌ها و ترکیب‌های بسیاری از این گویش ثبت و توصیف شده است.

فصل پنجم نمونه‌هایی از اشعار محلی است. برخی از شعرهای علامرودشتی ثبت شده در این کتاب از کلاتر علامرودشت در دوره قاجار است

که «رونق» تخلص می‌کرده و شعرهایی با مضمون مدح و مراثی اهل بیت و اجتماعی در قالب طنز دارد که سینه‌به‌سینه و دهان‌به‌دهان مانده و اکنون ثبت شده است. یافتن و ثبت کردن این گونه شعرها ارزش زبانی بسیار دارد چراکه با توجه به مکتوب نبودن بیشتر گویش‌ها پیدا کردن متن کهن گویشی برای پژوهش‌های زبانی مفید است. شعرهای دیگر از شاعران معاصر علامرودشت با مضامین اجتماعی است که بیشتر سیاق اشعار فارسی را دارد و واژه‌های گویشی اصیل آنها اندک است. پی‌نوشت پایان این فصل در درک شعرهای محلی مفید است.

فصل ششم این کتاب واژه‌نامه است. این واژه‌نامه موضوعی، با الفبای گویش به فارسی و با خط فارسی نوشته شده و آوانویسی نشده است. این داده‌ها نیز مانند داده‌های فصل چهارم آوانویسی ندارد و آوانویسی نشدن داده‌های این گویش‌نامه مفصل سبب می‌شود تا کاربر غیر گویشور از آن بهره‌ای نبرد چراکه برای یافتن مثلاً واژه دختر در این گویش می‌باید همه مدخل‌ها را بخواند تا در توصیف مدخل‌ها به واژه مورد نظرش برسد. حتی با وجود یافتن مدخل مورد نظر نمی‌توان به اطلاعات دقیق و کاملی درباره آواشناسی این گویش دست یافت. امید است در چاپ بعدی تجدید نظری شود و داده‌های ارزشمند این گویش با نشانه‌های بین‌المللی خط آوانگار آوانویسی شود.

عفت امانی

فصل نخست نگاهی اجمالی است بر تعریف فعل پیشوندی، توضیح برخی از اصطلاحات مهم از جمله، طبقه‌بسته (محدود) زبان، محور هم‌نشینی، بسامد، پیش‌واژک، افعال کمکی شخصی و غیرشخصی، دوره‌های تاریخی زبان‌های ایرانی و پیشوندهای فعلی در دوره باستان، میانه و نو. هدف این فصل آشنایی با مفاهیم اولیه و ضروری برای مطالعه بخش‌های بعدی کتاب است. فصل دوم به مقوله‌های پیشوندهای فعلی در اوستایی و فارسی باستان و ویژگی‌های آنها، پیشوندهای فعلی فارسی میانه و فارسی دری پرداخته و در ادامه فهرست پیشوندهای مستخرج از آثار برگزیده نظم و نثر قرون چهارم و پنجم هجری ارائه شده است. در فصل سوم، عملکرد معنایی پیشوندهای فعلی در فارسی دری با استناد بر متون منتخب بررسی شده است و فصل چهارم به بررسی عملکرد نحوی پیشوندهای فعلی در این متون می‌پردازد. در فصل پنجم کاربرد بسامدی پیشوندهای فعلی در آثار برگزیده. در قالب جدول و نمودار با هدف مشخص کردن میزان کاربرد این پیشوندها در متون مورد مطالعه و سنجش آنها با یکدیگر ارزیابی شده است.

جمیله حسن‌زاده

مهرجویی، محمد، *پیشوند افعال فارسی از دیدگاه تاریخی*، آوای خاور، تهران، ۱۳۹۷، ۲۵۵ صفحه.

یکی از مقوله‌های دستوری که در ساختمان انواع فعل‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد، افعال پیشوندی است. پیشوندها در این افعال نقش معنایی بسزایی دارند که هنگام مطالعه یک متن باید بدان توجه کرد. کتاب حاضر گامی است در همین راستا و کوشیده است تا خوانندگان را با این مقوله دستوری بیشتر آشنا کند. از این‌رو پیشوندهای فعلی در این کتاب از چهار منظر پیشینه تاریخی، کارکرد معنایی، کارکرد نحوی و بسامد بررسی و ارزیابی شده‌اند و برای نیل به این مقصود، آثاری از متون نظم و نثر از قرن چهارم و پنجم هجری مورد مطالعه قرار گرفته که عبارت است از: تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، هدایة‌المتعلمین فی الطب، گرشاسب‌نامه، ویس و رامین و دیوان ناصر خسرو. مؤلف در پیشگفتار، علت‌گزینش این آثار را غنی و پر بار بودن آنها در زمینه افعال پیشوندی ذکر کرده است. او در مقدمه کتاب به ذکر تاریخچه‌ای مختصر از پیشوندهای فعلی و نقش آنها از دوره باستان تا فارسی دری پرداخته است.

مطالب این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است. فصل نخست: تعاریف و کلیات، فصل دوم: پیشینه تاریخی پیشوندهای فعلی، فصل سوم: کاربرد معنایی پیشوندهای فعلی در فارسی دری، فصل چهارم: کاربرد نحوی پیشوندهای فعلی و فصل پنجم: بسامد پیشوندهای فعلی.

